

# پانیوم - شماره چهار

یک اتحاد

Jeff Pippenger

2025-03-04

در تاریخ پانیوم اتحادی میان آنتیوخوس کبیر و فیلیپ مقدونی پدید آمد. نبرد مستقیماً از سوی آنتیوخوس علیه بطلمیوس پنجم کودک انجام گرفت، و سهم فیلیپ بدین معنا بود که جنگاوری او در دیگر بخش‌های قلمرو مانع شد تا سپاه‌های دیگر برای یاری شاه کودک مصر فرا برسند. این بدان معناست که پوتین، پادشاه نهایی جنوب—که به شاه کودک مصر تمثیل شده است (کودک از حیث نبوی به معنای نسل واپسین)—به دست ترامپ شکست می‌خورد؛ ترامپی که به مثابه آنتیوخوس کبیر نمایانده می‌شود که بطلمیوس پنجم را در پانیوم شکست داد، و همان‌گونه که ریگان در سال ۱۹۸۹ اتحاد شوروی را شکست داد.

«فیلیپ» به معنای «دوستدار اسبان» است و «اسب‌ها» هم نماد قدرت نظامی و هم نماد قدرت اقتصادی‌اند. اسب‌ها ارابه‌ها را می‌کشند و سربازان بر آنها سوار می‌شوند، و نیز کالاها را به بازار حمل می‌کنند. «اسب‌ها» نماد «ارابه‌ها، کشتی‌ها و سواران» است، و این نماد اصلی ایالات متحده در رابطه نیابتی آن با پادشاه شمال است، چنان‌که در آیه چهل‌م بیان شده است.

متحد ترامپ در فیلیپ مقدونی و هیروُدس فیلیپس تترارخ دو نمونه تمثیلی دارد. خواه هیروُدس فیلیپس باشد خواه فیلیپ مقدونی، آن نماد معرف کسی است که قدرت اعطاشده به او را، به ترتیب از سوی قیصر یا آنتیوخوس، دوست می‌دارد. فیلیپ دوستدار اسب است، و یکی از این دو فیلیپ از مقدونیه بود که در پادشاهی اسکندر کبیر نقشی مرکزی و بنیانی داشت.

این سرزمین زادبوم او بود، پادشاهی‌ای که از پدرش، فیلیپ دوم، به ارث برد و سکوی پرش امپراتوری پهنورش شد. مقدونیه که در بخش شمالی یونان واقع بود، به‌عنوان هسته سیاسی و نظامی‌ای که اسکندر در آن (در پلا، ۳۵۶ پیش از میلاد) زاده و پرورش یافت، متمایز بود و منابع اولیه، نیروی انسانی و ساختار سازمانی‌ای را فراهم آورد که فتوحات او را به پیش راند. در اصل، مقدونیه هسته پادشاهی اسکندر بود—نقطه آغاز آن، پیشران نظامی‌اش، و سرزمینی که هویت او را به‌عنوان یک پادشاه مقدونی تثبیت می‌کرد، حتی هنگامی که امپراتوری‌اش بسیار فراتر از مرزهای آن گسترش می‌یافت.

مقدونیه نمایانگر ناحیه شمالی پادشاهی چهارگانه اسکندر است. از این‌رو، یکی از فیلیپ‌ها تترارخ است، به معنای «یک‌چهارم»، و فیلیپ دیگر «یک‌چهارم» از چهار باد امپراتوری پیشین اسکندر است.

هیروُدیس نماینده کسی است که عهد را رد می‌کند. عیسو، که هیروُدیس از نسل اوست، از حق نخست‌زادگی خود چشم پوشید. در همان آغاز تاریخ قوم برگزیده عهد، عیسو به نماد کسانی بدل می‌شود که عهدی را که مسیح برای تأییدش جان داد، رد می‌کنند. درست در همان زمان که خدا می‌خواست قوم برگزیده عهد خود را به دوازده قبیله گسترش دهد، عیسو سرکشی کرد. در پایان اسرائیل باستان، هنگامی که بر سر صلیب یهودیان گفتند «جز قیصر پادشاهی نداریم»، ملت یهود به نماد پایانی همان چیزی بدل شد که در آغاز عیسو نمونه آن بود. شجره‌نامه هیروُدیس از تبار عیسو و یهودیان تشکیل شده است؛ تباری که در آغاز با عهدشکن سرکش و در پایان با قومی عهدشکن و سرکش نمادین شده است.

هیروودیس کبیر مالیات‌هایی را وضع کرد که یوسف و مریم را به بیت‌لحم کشاند، و از میان سه پسرش، هیروودیس آنتیپاس، پسر هیروودیس کبیر، در زمان صلیب حکومت می‌کرد. دوران زندگی مسیح از ولادت تا مرگ او به‌گونه‌ای نمادین به‌وسیله خاندان هیروودیس نمایانده می‌شود، و بدین‌سان، تاریخ را به منزله زمان تفقد قوم برگزیده معرفی می‌کند؛ تفقدی که یهودیان، در کل، هرگز آن را ندیدند.

هیروودیس کبیر در واکنش به تولد عیسی، کودکان را به قتل رساند و بدین‌سان تاریخ زمان تولد موسی، هنگامی که در مصر کودکان را می‌کشتند، تکرار شد. نخستین قتل‌عام کودکان تلاشی بود برای کشتن برگزیده موعود و آخرین قتل‌عام کودکان نیز بار دیگر تلاشی بود برای کشتن برگزیده موعود. صد و چهل و چهار هزار سرود موسی و بره را می‌خوانند و از دید نبوی، «سرود» نمایانگر یک تجربه است. صد و چهل و چهار هزار در دوره‌ای زندگی می‌کنند که دارای تجربه‌های موازی است. یکی از آن مشابهِت‌ها در ۲۲ ژانویه ۱۹۷۳ با رأی دیوان عالی که سقط جنین را در ایالات متحده آمریکا مجاز کرد، رخ داد. در چهل و نه سال پس از آن، حدود ۶۶ میلیون نامزد بالقوه برای قرار گرفتن در میان صد و چهل و چهار هزار، از طریق سقط جنین مورد تأیید دولت فدرال، قتل‌عام شدند.

قدرت نمادِ توانِ نظامی است:

و آن وحشی که دیدم شبیه پلنگ بود، پاهایش مانند پاهای خرس و دهانش مانند دهان شیر بود؛ و اژدها قدرت خود، تخت خود و اقتداری عظیم به او داد. مکاشفه ۱۳:۲.

اژدها، که همان روم بت‌پرست است، سه چیز برای نهاد پاپی فراهم کرد؛ یعنی «قدرت او، تخت او، و اقتدار عظیم او». در آیه دوازده، ایالات متحده آمریکا، یعنی وحش زمین، چنین نشان داده شده که تمام «قدرت» وحشی را که پیش روی اوست اعمال می‌کند. با این حال، واژه «قدرت» در آیه دو با واژه یونانی‌ای که در آیه دوازده به «قدرت» ترجمه شده، متفاوت است. در آیه دو، «قدرت» G1722 است: به معنای «در برابر» (به صورت لفظی یا مجازی)، «در حضور (در منظر)».

واژه «قدرت» در آیه دوازدهم، واژه یونانی دیگری است.

و او همه قدرت وحش نخستین را در برابر او اعمال می‌کند و زمین و ساکنان آن را وادار می‌کند که وحش نخستین را بپرستند، همان که زخم مرگبارش شفا یافته بود. مکاشفه ۱۳:۱۲.

واژه "G1832" G1832 در این‌جا (در معنای توانایی) چنین معنا می‌دهد: امتیاز؛ یعنی نفوذ تفویض‌شده: اقتدار، حیطة صلاحیت، آزادی، قدرت، حق، قوت. واژه "power" در آیه دوازده نشان می‌دهد که وحش زمین اقتدار تفویض‌شده وحش دریاست - ایالات متحده آمریکا نماینده نیابتی وحش دریاست. ایالات متحده آمریکا تمام اقتدار تفویض‌شده وحش نخستین را اعمال می‌کند. در آیه دو، روم بت‌پرست سه چیز را به نهاد پاپی واگذار کرد. کلویس در نبرد تولبیاک در سال ۴۹۶، قدرت نظامی و اقتصادی خود را به نهاد پاپی سپرد. کنستانتین در سال ۳۳۰ "کرسی" امپراتوری را واگذاشت و یوستینیانوس به موجب فرمانی در سال ۵۳۳، پاپ را به‌عنوان اصلاح‌گر بدعت‌گذاران و رئیس کلیساها معرفی کرد. کلویس در سال ۴۹۶ پیش‌نمونه ریگان در سال ۱۹۸۹ است. ریگان پیش‌نمونه ترامپ است.

به گفته گریگوری تور (که نزدیک به یک سده بعد می‌نوشت)، کلویس در نبرد در حال شکست خوردن بود و از سر استیصال خدای کاتولیک‌ها را به یاری فراخواند. همسرش، کلوتیلده، شاهزاده بورگوندی کاتولیکی بود که او را به روی‌گردانی از بت‌پرستی و گرویدن به کاتولیسیسم ترغیب می‌کرد. کلویس نذر کرد که اگر پیروز شود، کاتولیسیسم را بپذیرد. ورق برگشت—خواه بر اثر مداخله الهی، خواه به سبب راهبرد نظامی—و کلویس آلمانی‌ها را شکست داد، پادشاهشان را کشت و نیروهایشان را

پراکنده کرد. وفادار به نذرش، به کاتولیسیسم گروید و غسل تعمید گرفت؛ که به طور سنتی به روز کریسمس سال ۴۹۶ در رنس و به دست اسقف رمیگیوس (سن رمی) نسبت داده می‌شود.

گرایش او به مسیحیت نقطه عطفی بود و کلویس را به نخستین پادشاه کاتولیک در میان فرمانروایان ژرمن بدل کرد (برخلاف ویزیگوت‌ها یا اوستروگوت‌های مسیحی آریوسی). این امر فرانک‌ها را با کلیسای رم همسو کرد و حمایت جمعیت گالو-رومی و دستگاه پاپی را برای او به همراه آورد. تعمید کلویس غالباً به طور نمادین «تولد فرانسه» به عنوان یک ملت کاتولیک دانسته می‌شود و آن را از دیگر پادشاهی‌های بربر که به آریوسی‌گری یا بت‌پرستی پایبند بودند متمایز می‌سازد. از این رو، کاتولیسیسم از فرانسه با عنوان «نخست‌زاده کلیسای کاتولیک» و نیز «دختر ارشد کلیسای کاتولیک» یاد می‌کند.

وقتی کلویس در سال ۴۹۶ نخستین قدرت نیابتی پاپیت شد، او نمونه رونالد ریگان بود که در سال ۱۹۸۹ به قدرت نیابتی تبدیل شد. در تاریخ ریگان و پاپ ژان پل دوم، اتحادی پنهانی برای سرنگون کردن پادشاه جنوب شکل گرفت. از ۱۷۹۸ تا قانون یکشنبه، فاحشه صور پنهان است، و او همان فاحشه‌ای است که ریشه‌هایش به مقدونیه، شمالی‌ترین پادشاهی، بازمی‌گردد. او پادشاه شمال است، از نظر نبوی پنهان، اما همچنان مدعی خطاناپذیری است.

پاپ همچنین نماینده «کسانی است که عهد را ترک می‌کنند» که هرچند در سراسر سه جنگ نیابتی از نظر نبوی پنهان بودند؛ سرانجام در تاریخ نبرد پانیوم آشکار خواهند شد. در گذار از روم امپراتوری به روم پاپی، دانیال مشخص می‌کند که چه زمانی روم بت‌پرست به پایان دوران خود به عنوان چهارمین پادشاهی در نبوت کتاب مقدس نزدیک می‌شد.

زیرا کشتی‌های کتیم بر ضد او خواهند آمد؛ از این رو مغموم شده، بازخواهد گشت و نسبت به عهد مقدس برآشفته خواهد شد؛ چنین خواهد کرد؛ بلکه بازخواهد گشت و با ترک‌کنندگان عهد مقدس همداستان خواهد شد. دانیال ۱۱:۳۰.

در آیه «آنان که عهد مقدس را ترک می‌کنند»، مراد کلیسای کاتولیک است. کسانی که عهد مقدس را ترک می‌کنند، همان کلیسای سازش‌کار پرگامس یوحنا مکاشفه‌نگارند که بنا بر گفته پولس، پیش از آنکه مرد گناه آشکار شود، از ایمان برخوردار خواهند گشت. کاتولیسیسم عبارت است از آنان که عهد را ترک کرده‌اند، آن‌گونه که این ترک در یورش که بر ضد کلام خدا و نیز بر سبت روز هفتم صورت گرفت، نمایان است؛ و هر دو از زمان قسطنطین به بعد زیر حملات پاپی قرار گرفتند. پیش‌تر در باب یازدهم نیز از «عهد» یاد شده است.

و دل هر دو پادشاه بر آن خواهد بود که شرارت کنند، و بر سر یک میز دروغ خواهند گفت؛ لیکن کامیاب نخواهد شد، زیرا که پایان هنوز در وقت مقرر خواهد بود. سپس او با ثروت بسیار به سرزمین خود بازخواهد گشت؛ و دلش بر ضد عهد مقدس خواهد بود؛ و اقداماتی خواهد کرد و به سرزمین خود بازخواهد گشت. در وقت مقرر بازخواهد گشت و به سوی جنوب خواهد آمد؛ لیکن آن نه مانند پیشین خواهد بود و نه مانند پسین. دانیال ۱۱:۲۷-۲۹.

در این آیات، «او» به سرزمین خود بازمی‌گردد و سپس دوباره به سرزمین خود بازمی‌گردد. این دو بازگشت نمایانگر دو پیروزی‌اند که آنگاه با «بازگشتی» پیروزمندانه به شهر روم دنبال شدند. نخستین آنها نبرد آکتیوم در سال ۳۱ پیش از میلاد علیه آنتونیوس و کلئوپاترا بود، و دومی پس از ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی. «زمان مقرر» در این آیات سال ۳۳۰ است که پایان «زمان» پیشگویی شده آیه بیست‌وچهارم را مشخص می‌کند؛ زمانی که برابر با سیصد و شصت سال است.

آن دو پادشاه که بر سر یک میز دروغ می‌گویند، این کار را پیش از "زمان مقرر" انجام می‌دهند، "زیرا هنوز پایان در زمان مقرر خواهد بود." پرسشی که باید مورد بررسی قرار گیرد این است که آیا وقتی می‌گوید، "آنگاه او با ثروت فراوان به سرزمین خود بازخواهد گشت؟" چه معنایی دارد؟ آیا منظور این است که در زمان مقرر، آنگاه او بازخواهد گشت؛ یا منظور این است که به محض آن که آن دو بر سر میز دروغ بگویند، آنگاه او بازخواهد گشت، و بنابراین بازگشت پیش از زمان مقرر است.

اوریا اسمیت دو بازگشت را به سال‌های ۳۱ پیش از میلاد و ۷۰ پس از میلاد نسبت می‌دهد؛ که این امر نمایانگر دوره‌ای پیش از سال ۳۳۰ است، یعنی زمان مقرر. اسمیت همچنین خاطرنشان می‌کند که «بازگشت» آیه بیست‌ونهم پس از سال ۳۳۰ است و همچون بازگشت‌های پس از نبردهای آکتیوم و اورشلیم موفقیت‌آمیز نیست. معنای این سخن آن است که پیش از زمان مقرر، دیداری برپا می‌شود که در آن دروغ‌ها گفته می‌شود؛ سپس از میان آن دو پادشاه دروغ‌گو، یکی با ثروت فراوان باز می‌گردد، آنگاه با میثاق مقدس مخالفت می‌کند، دست به اقداماتی می‌زند، و در سال ۳۳۰، که همان زمان مقرر است، باز می‌گردد.

سپس وی به جنوب حمله می‌کند، اما این رخداد همانند نبرد آکتیوم یا ویرانی اورشلیم نخواهد بود. روایت سال ۷۰ میلادی در این آیات، پایان قوم برگزیده عهدی خدا را، که در این بخش با «عهد مقدس» نمایانده شده است، ترسیم می‌کند. در آیه سی، روم مشرک با آنان که عهد مقدس را ترک می‌کنند همدستی می‌کند. سال ۷۰ میلادی پایان نهایی اسرائیل جسمانی باستان به‌عنوان قوم عهدی خدا بود، و آیه سی تاریخ چهار قرن پس از سال ۷۰ میلادی را مشخص می‌سازد. آنان که در تاریخی که در آیه سی نمایانده شده است، عهد را ترک می‌کنند، همان کسانی‌اند که عهدی را که خدا با قوم مسیحی خویش بسته بود، ترک کرده‌اند. روم پاپی همان کلیسایی است که در آیه سی به منزله ترک‌کنندگان عهد مقدس معرفی شده است.

زیرا کشتی‌های کتیم بر ضد او خواهند آمد؛ از این رو مغموم شده، بازخواهد گشت و نسبت به عهد مقدس برآشفته خواهد شد؛ چنین خواهد کرد؛ بلکه بازخواهد گشت و با ترک‌کنندگان عهد مقدس همداستان خواهد شد. دانیال ۱۱:۳۰.

آیه بیست‌ونهم ما را به سال ۳۳۰ می‌رساند، که همان موعد مقرر بود که با انتقال پایتخت توسط کنستانتین به قسطنطنیه تحقق یافت. در آن نشانه راه، روم بت‌پرست به جنگی از سوی جنوب کشانده می‌شد که مانند آکتیوم و اورشلیم موفق نبود. سپس در آیه سی‌ام، روم بت‌پرست هدف حمله گنسریک قرار می‌گیرد که جنگ دریایی خود را از کتیم، که امروز آن را قرطاج می‌نامند، آغاز کرد. این جنگ علیه روم بت‌پرست همچنین به‌عنوان شیپور دوم از هفت شیپور در کتاب مکاشفه تصویر شده است. چهار شیپور نخست از آن قدرت‌ها روم غربی را تا سال ۴۷۶ به فرجام رساندند. از میان آن چهار شیپور نخست، شیپور دوم، که همان کشتی‌های کتیم است، شدیدترین بود؛ زیرا گنسریک بر دریاها تسلط یافت و ثروت امپراتوری خشکید.

با کشتی‌های کتیم روبه‌رو شده و از آنها رنجیده می‌گردد؛ باز می‌گردد و نسبت به عهد مقدس خشم می‌گیرد. این امر در تاریخ منتهی به قدرت‌گیری پاپیت در سال ۵۳۸، از راه جنگی بر ضد کلام خدا، تحقق یافت. پس از آن باز می‌گردد و «با آنان که عهد مقدس را ترک می‌کنند» همدستی دارد. آن تعامل میان روم بت‌پرست و روم پاپی در سال ۵۳۳ با فرمان یوستینیان تحقق یافت. آیه بعد، یعنی آیه سی‌ویکم، سپس ادامه می‌دهد که چگونه روم بت‌پرست «رنجیده» شد. در دوم تسالونیکیان، پولس تعلیم می‌دهد که روم بت‌پرست پاپیت را از به‌دست‌گیری زمام امور در سال ۵۳۸ «باز می‌داشت». پس از آنکه از حمله‌ای از دریاها که اقتصاد پادشاهی را درهم می‌شکند رنجیده می‌شود، نسبت به عهد مقدس خشم می‌گیرد، سپس با کسانی که عهد را ترک می‌کنند همدستی می‌نماید. در آیات بعد،

«بازوها» که نمایانگر قدرتی است که در سال ۴۹۶ به دست کلویس به پاپیت اعطا شد، برمی‌خیزند و قدس قوت را که در تاریخ نمایانگر شهر روم بود، می‌آلایند؛ و سپس روم بت‌پرست آیین بت‌پرستی (دائمی) را از قلمرو برمی‌اندازد و آن را با کاتولیسیسم جایگزین می‌کند، و آنگاه در سال ۵۳۸ پاپیت را بر تخت می‌نشانند.

هنگامی که نهاد پاپی در سال ۵۳۸ قدرت یافت، هم شاهی نبوی و هم شاهی تاریخی فراهم آورد که در آیاتی که در نظر داریم بازنمایی شده‌اند. سال ۵۳۸ به صورت نمادین با ۳۱ پیش از میلاد و نبرد آکتیوم نشان داده می‌شود. در کتاب دانیال، باب هشتم، آیه نهم، روم بت‌پرست برای تصاحب تخت جهان سه مانع جغرافیایی را در هم شکست. نخست سوریه در شرق بود، سپس یهودا و اورشلیم، و پس از آن مصر در نبرد آکتیوم. همچنین از روم پاپی سه شاخ برکنده شد که سومین آنها گوت‌ها بودند که در سال ۵۳۸ از شهر روم رانده شدند. روم بت‌پرست و روم پاپی دو شاهد ارائه می‌کنند که نشان می‌دهند نبرد آکتیوم با سال ۵۳۸ مطابقت دارد، و ۵۳۸ نماد قانون یکشنبه در ایالات متحده آمریکا است، زمانی که روم مدرن تا بسته شدن مهلت، حاکمیت مطلق دارد.

ما بررسی اجمالی آیات بیست‌وهفت تا سی‌ویک را به پایان رسانده‌ایم.

در مقاله بعدی بر این آیات تمرکز خواهیم کرد و کار همساز ساختن این فراز با تاریخ آیات یازدهم تا پانزدهم را آغاز خواهیم نمود.